



تصویر لطفی بر فراز میدان

به مناسبت سالگرد درگذشت محمدرضا لطفی، همزمان با روز معلم (۱۲ اردیبهشتماه) جدیدترین دیوارنگاره میدان جهاد به تصویر ی از این آهنگساز و نوازنده فقید تار، سه‌تار و کمانچه اختصاص پیدا کرد. در این دیوارنگاره محمدرضا لطفی، بالباس سفیدمعروفش که اغلب به تن داشت، در حال نواختن است و شاعرانی چون حافظ، سعدی، هوشنگ ابتهاج و شهریار اورادوره کرده‌اند. در توضیح این دیوارنگاره آمده است: «بی تو آری غزل سایه ندارد لطفی...». دیوارنگاره میدان جهاد پیش‌تر به تصویری از حکیم نظامی گنجوی در هفته بزرگداشت این شاعر اختصاص داشت. دیوارنگاره جدید محصول خانه طراحان انقلاب اسلامی است و برخی عوامل آن عبارتند از: مصطفی کفایی (ایده‌پرداز)، آیار قاسمی (تصویرساز)، محسن کربلایی‌زاده (طراح گرافیک) و علی خلع (طراح نوشتار). محمدرضا لطفی از چهره‌های تأثیرگذار موسیقی ایرانی بود که اثری چون؛ «ایران ای سرای امید»، «کاروان شهید»، «برادر بی‌فراره» و «عشق داند» از او به یادگار مانده است.



شب‌ی برای الزا مورانته

هشتصدوسی‌و‌چهارمین شب از شب‌های بخارا که به بررسی زندگی‌و‌آثار نویسنده، پژوهشگر و مترجم ایتالیایی نیمه دوم سده بیستم، الزا مورانته اختصاص یافته است روز یکشنبه چهاردهم اردیبهشتماه، از ساعت ۱۷ در تالار فردوسی خانه اندیشمندان برگزار می‌شود. در این مراسم آنتونیا شرکا، فاطمه عسگری، منوچهر افسری مترجم‌رمان «تاریخ» اثر الزا مورانته (از زبان ایتالیایی)، حمید نامجو و علی دهباشی سخنرانی خواهند کرد. در بخشی از خبر برگزاری این مراسم آمده است: «تجربه نویسنده ایتالیایی، الزا مورانته در زندگی در سایه ادبیات، منحصر به‌فردترین آن دروادی ادبیات‌قرن بیستمی است زیرا با تمام وجود کمر خدمت به ادبیات بست و به آرزوی زیستن رابطه‌های انسانی در شور و سرمستی جامه عمل پوشاند. او که روایتگر برشی از تاریخ ایتالیا پس از جنگ دوم جهانی بود، هرگز از طلب زیبایی و شوق آفرینش دست ننشست.» در شب «الزا مورانته»، بخشی از یک فیلم مستند درباره زندگی او نیز به‌نمایش درمی‌آید.



گرا میداشت مشکاتیان

کنسرت «بر سریر نغمه» در گرامیداشت هفتادمین زادروز استاد پرویز مشکاتیان، ۲۴ اردیبهشتماه در تالار وحدت برگزار می‌شود. در رویداد موسیقایی «بر سریر نغمه» که توسط خانواده مشکاتیان با مشارکت بنیاد رودکی برگزار می‌شود، گروه موسیقی ایرانی «همنوازان وداد» به سرپرستی کیارش دادوی با خوانندگی پوریا اخوای و مجتبی عسگری در تالار وحدت روی صحنه می‌روند. بنیاد رودکی در راستای مأموریت‌های خود در بزرگداشت و معرفی هنرمندان برگزیده پیشکسوت در حوزه‌های مختلف هنر اقدام به برگزاری این رویداد کرده است؛ بر همین اساس تالار وحدت شامگاه چهارشنبه ۲۴ اردیبهشتماه از ساعت ۲۱:۳۰ میزبان هنردوستان است. پرویز مشکاتیان یکی از مهم‌ترین آهنگسازان تاریخ موسیقی ایران و نابغه ستورنوازی بود. او ردیف ایرانی را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نزد نورعلی‌خان برومند و داریوش صفوت آموخت. مشکاتیان و شجریان پس از جدایی از کانون جاولوش، با هم آثار زیادی جادوانه خلق کردند. «استان جانان»، «بیداد»، «نوا مرکب خوانی» و «دود عود» از جمله شاهکارهای مشکاتیان هستند.

فرهنگ

CULTURE

۱۴

کارنامه

اندیشمند



ناقد عقل عربی

بازخوانی آرای محمد عابد الجابری در پانزدهمین سالگرد درگذشت او

دانشگاهی شد که عمده‌ترین آنها کتاب «مدخل الی فلسفه العلوم» است. او علاوه بر حضور فعال در همایش‌های متعدد بین‌المللی، از سال ۱۹۹۵ با همکاری تنی چند از محققان به تصحیح و انتشار مجموعه تألیفات ابن‌رشد پرداخت. عابدالجابری در سوم می سال ۲۰۱۰ میلادی در کازابلانکا درگذشت. از جابری آثار فراوانی به دو زبان عربی و فرانسوی بر جای مانده است که برخی از آنها چون «نقد عقل عربی»، «اما و میراث فلسفی‌مان»، «خوانشی نوین از فلسفه مغرب و اندلس»، «ابن‌رشد: خوانشی نوین از زندگی و فلسفه»، «اسقراط‌هایی از گونه‌ای دیگر»، «سنت و مدرنیته»، «فهم قرآن کریم»، «رهیافتی به قرآن کریم»، «چالش اندیشه عربی معاصر»، «باز خوانی تاریخ فلسفه در مشرق اسلامی»، «عقلانیت اخلاقی عربی و تأثیر سنت خسروانی»، «دموکراسی و حقوق بشر» و «اندیشه ابن‌خلدون» به قلم مترجمانی چون محمد آل‌مهدی، احمد فرادی‌اهوازی، احسان پشت‌مشهدی، اسماعیل باغستانی و محسن آر‌مین به فارسی ترجمه شده است.

سه‌مرحله‌تفکر جابری

محمد وقیدی، منتقد هم‌وطن جابری در بررسی سیر اندیشه او به سه مرحله اشاره کرده است: در مرحله نخست جابری با تألیف اثری نظیر «عصبیت و دولت در اندیشه‌های ابن‌خلدون» و تحقیقاتی درباره فارابی، ابن‌رشد، ابن‌سینا و غزالی و در اوج همه آنها با انتشار کتاب «ما و میراث فلسفی‌مان» روشی نوین برای پژوهش درباره میراث عربی را عرضه می‌دارد و با طرح برخی معضلات راه مطالعات آتی خود را گشوده است. در مرحله دوم جابری با تحدید مرزهای تحقیقات خود به «میراث»، معضل عمده‌گفتمان‌های معاصر

جهان عرب را ناعقلانیت، نبود عینیت و علمی نبودن آنها می‌داند و می‌گوید برای عقلانی‌کردن وضعیت فعلی و آتی، چاره‌ای جز فهم عقلانی از گذشته وجود ندارد. بنابراین بررسی علمی، عینی و غیرایدئولوژیک میراث، آن تکیه‌گاه مطمئنی است که بسیاری از گفتمان‌های نوزایش عربی همچنان فاقد آن هستند. در مرحله سوم، جابری با فراوری در پروژه خود، هدف نقد را از نقد گفتمان معاصر عرب به نقد آن چه خود «عقل عربی» می‌نامد، تغییر می‌دهد. او با دیدی ساختارگرایانه، عناصر و سازه‌های متضاد و متنوعی را که در تشکیل چنین عقلانیتی نقشی عمده ایفا کرده‌اند، باز می‌شناسد و از رهگذر تحلیل درونی آنها و نیز نسبت‌شان با سایر عناصر سامانه دانش عربی و تحولات تاریخی جهان اسلام، تحلیلی تاریخ‌مدارانه و ساختارگرایانه از جهان عرب عرضه می‌دارد.

زاویه نگاه جابری به دین

محمدرضا وصفی در گفت‌وگو با جابری از او می‌پرسد، چرا بر خلاف سایر متفکران موسوم به «نومعتزلیان» نظیر حسن حنفی، محمد ارکون و نصر حامد ابوزید از ورود به نقد مباحث الهیاتی اجتناب ورزیده و بیشتر نقش ساختارشناس معرفت را برعهده گرفته است؟ پاسخ جابری به این پرسش در فهم نوع نگاهش به مسئله دین، بسیار مهم است. او ضمن بیان پرهیز آگاهانه از این مباحث، می‌گوید که اولاً ورود به این مباحث، کشیده‌شدن به دور باطل است زیرا تکرار بحث اشاعره و معتزله، تکرار مکررات است. ثانیاً کسانی که می‌خواهند از دریچه نقد الهیاتی به نقد عقل اسلامی بپردازند، دچار تأثیرپذیری ناخودآگاهانه از سنت نقد الهیات غربی هستند و به تفاوت ماهوی ساختار اسلام و مسیحیت بها نمی‌دهند. منظور نظر جابری از این تفاوت، آغازگاه‌های متفاوت دو نقد الهیاتی است. متفکران غربی الهیات سنتی را با این پیش‌فرض نقد کردند که عهد قدیم و عهد جدید، تحریف شده‌اند، حال آن‌که با وجود این‌که قرآن در دوران عثمان تدوین شد و به‌رغم اختلافات عمده‌ای که میان عثمان و علی ابن ابی‌طالب وجود داشته است، میان گروه‌های اسلامی هیچ اختلافی در مورد تحریف‌نشدن قرآن وجود ندارد. در ادامه همین مصاحبه، وصفی این نظر را ابراز می‌دارد که برخی از این منظر که تورات و انجیل حاوی سخنان حواریون است، آنها را غیرقابل مقایسه با قرآن، ولی مشابه با حدیث می‌پندارند بنابراین باتوجه به اهمیت نقد حدیث در سنت اسلامی و با سابقه‌ای که از نقد متن در هر سه دین یافت می‌شود، آغاز نقد دین از همان جایی که غرب آغازید، بلااشکال است. پاسخ جابری موضع او را نسبت به دیگر عنصر برساننده سنت ـ حدیث ـ اشکار می‌کند: «من «حدیث» را همانند «وحی» نمی‌دانم... و نقد حدیث هم مقوله‌ای است متفاوت با حوزه قرآن».

مداقه در ادامه همین مصاحبه گویای نکات بدیع دیگری است. جابری آن‌گاه که به‌دلیل استفاده از عبارت «عقل عربی» به قوم‌گرایی متهم می‌شود؛ ضمن رد ادعای پنهان‌کاری، بر این ایده تأکید می‌ورزد که به این دلیل از «عقل اسلامی» سخن به میان نمی‌آورد که «به کار بردن واژه اسلام یا اسلامی، این مباحث را به‌شکل مستقیم به اسلام ربط می‌دهد. اما من واقعاً به‌دنبال نقد اسلام نیستم.» برخلاف نظر خاورشناسان، هرآنچه در دنیای ما اتفاق افتاده است، مربوط به دنیای اسلام نیست. جابری، دین را ایدئولوژی نیز نمی‌داند و معتقد است: «اسلام به‌عنوان یک دین، بزرگتر و مهمتر از آن است که تنها در ساختارهای اجتماعی تعریف شده»، بنابراین ایدئولوژیک‌کردن دین، برجسته‌سازی بخشی از آن و کم‌رنگ‌سازی قسمتی دیگر از آن است. با این توضیحات می‌شود گفت برای جابری بیش از آن‌که صحت و سقم، تفسیر، تحلیل و تبیین متون دینی اهمیت داشته‌باشد، نحوه تولید و معنادهی گفتمان‌ها و آن ساختار معنابخشی که این متون را به صدا در می‌آورند، محل توجه است. پس او بیش از آن‌که به بحث‌های کلامی و الهیاتی درباره این متون بپردازد، در مقام ساختارشناس معرفت، نظیر جامعه‌شناس معرفت، دل‌مشغول شرح و بسط نزاع میان حوزه‌های ایدئولوژیک و اپیستمولوژیک است و می‌کوشد عقل عربی را از خلال چنین تننازعی توضیح دهد.

عقل عربی

جابری به تمایزی که آندره لالاند میان دو گونه از عقل؛ «عقل برساننده یا کنشگر» و «عقل برساخته یا متعارف» قائل شده، اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد عقل برساننده در حکم «قوه ناطقه»‌ای است که سبب تمیز انسان از حیوان می‌شود و میان همه انسان‌ها مشترک است اما عقل برساخته، در میان انسان و هم‌راهن فرهنگی او در عصری خاص پدید می‌آید. جابری در ادامه برای ارائه معنای عقل در سه تمدن یونانی، عربی و اروپایی نظر کاسدروف را مبنی بر این‌که چارچوب نظام هر فرهنگی را تصور آن فرهنگ از سه مقوله خدا، انسان و جهان و رابطه این سه با واقعیت عینی می‌سازد، بیان کرده و می‌نویسد در فرهنگ یونانی نقش خدا در مقام واسطه‌گری، پیوند عقل با طبیعت است. در فرهنگ عربی از عقل خواسته می‌شود که با تأمل در طبیعت و نمودهای خلقت، به معرفت آفریدگار نائل شود و در فرهنگ اروپایی نوین دو شاخص عقل را می‌توان این‌گونه بیان کرد: ۱- قلمدادکردن رابطه عقل و طبیعت به‌مثابه رابطه مستقیم؛ ۲- ایمان به توانایی عقل در تفسیر طبیعت و کشف اسرار آن.

